

روحاما زرگری

(Ruchama Raz)



آزاد کریمی

چند روزی بود که می خواستم درباره ی یک هنرمند اسرائیلی که خانواده ی پدری او همشهری من هستند و در سال ۱۹۵۰ به اسرائیل مهاجرت کردند یک مطلب بنویسم، خوشبختانه امروز این فرصت بوجود آمد.

واقعیت این است که جنگ اوکراین، اغتشاشات خاورمیانه، موضوع کردها و ماجراهای پیچیده ی ایران ذهن من را همیشه درگیر کرده است و شما می دانید که من هم یک انسان هستم با مشکلات و روتین زندگی شخصی... بنابراین درباره ی یک یادداشت هنری یا فرهنگی باید با آرامش خاطر نوشت و اکنون می خواهم درباره ی خانم روحاما راز خواننده ی اهل اورشلیم مطلبی بنویسم. البته از اینجا مراتب سپاس و احترام خود را برای آقای لاری لوکسنراظهار می دارم.

یهودیان در سال ۱۹۲۰ نصف جمعیت سقز را تشکیل می دادند. در سال ۱۹۳۹ آنها ۱۲۰ خانوار از ۱۲۰۰ خانوار این شهر را تشکیل می دادند. شما حساب کنید این ۱۲۰ خانوار شامل کسانی است که خانه ی شخصی داشتند و تعداد کسانی را که مستاجر بودند یا دو یا سه نسل از یک خانواده در یک خانه را حساب کنید متوجه می شوید که یهودیان سقز شاید ۱۵۰۰ نفر بودند وقتی که در سال ۱۹۵۰ به اسرائیل مهاجرت کردند. این را هم اضافه کنم که خانواده های حکیم دکتر میکایل پرهامی و حکیم اسماعیل طبیب زاده به تهران و تبریز رفتند و چندین خانواده هم یا تغییر دین دادند و در شهر ماندند که باید به صراحت بگویم بسیاری از آنانی که تغییر دین دادند به عشق شهر خود ماندند و حتی در خفاء یهودی بودند... این را من با قاطعیت می گویم... زیرا داستانهایی در اینباره شنیده ام.

در مهاباد ارمنیها و در سنندج و کرمانشاه مسیحیان آسوری و در اورمیه مسیحیان آسوری و ارمنیهای مسیحی جمعیت غیر مسلمان را تشکیل می دادند. البته در اورامان و کوزران و مایدشت و صحنه کردهای یارسان در اکثریت بودند و شهر کردند کاملاً یک شهر یارسانی بود و می باشد. اضافه کنم در تمامی دهات و شهرهای کردستان یهودیان زندگی می کردند اما پایتخت آنها شهر سقز بود زیرا بیشترین جمعیت یهودی را داشت.

در قدیم تنها به مسلمانهای کردستان می گفتند کرد یا کورد... پیروان سایر ادیان به موسایی یا جولهکه، ئرمهنی، ئسوری، گوران و داسنی معروف بودند. کردهای مسلمان هم بیشتر با القاب طایفه ی خود شناخته می شدند. مانند کلهور، لک، لور، جاف، گهلواخی، تیلهکویی، موکری، چواردولی، شکاک... خانواده های دولتی هم به نام شغل و منصب خود شناخته می شدند. عامه هم غالباً به نام پدر یا مادر یا شغل، روستا و غیره شناخته می شدند. لفظ احترام در میان عامه برای زنها داده، خا، خات و خاتوو و خانم و ستی و برای مردها کاکه، کا، سوئی، دهرویش و میرزا بود. فئودالها لقب بگ، خان، آغا و میر داشتند... روحانیون هم شیخ و مهلا و هاخام و مالوم و مهتران و قهشه و کهشیش و غیره بودند. لازم است اضافه کنم شهر سقز بسیار معروف بود برای تجارت و کاروانسراها و بازارها و پیشه های پرسود... تفنگسازهای سقز طپانچه ها و چخماق های ممتاز درست می کردند... در زمان رضاشاه این مشاغل تعطیل شد و به انحصار دولت درآمد.

آخرین هاخام سقز شخصی بالبهت و مقدس برای همه ی مردم سقز به نام هاخام شموئل بروخیم بود. نوه ی هاخام شموئل بروخیم خانم آتارا کلیمی درباره ی پدر بزرگش می گوید: در سقز ارتباط ما با مسلمانان بسیار خوب بود، زیرا هر زمان که مشکلی پیش می آمد پدر بزرگم همیشه راه حل پیدا می کرد... یک بار مسجدی ساختند اما چوب کافی برای تکمیل سقف نداشتند. تاجران چوب یهودی بودند،

بنابراین هاخام شموئل به آنها گفت که برای مسلمانان چوب به عنوان هدیه از جامعه یهودی بیاورند... یهودستیزی وجود داشت، اما حتی مسلمانان از هاخام شموئل بروخیم مشاوره می خواستند. هرگاه جناب هاخام شموئل در بازار راه می رفت، مسلمانان به احترام او از جای برمی خاستند، زیرا او مردی مقدس بود.

یکی از برادران هاخام شموئل، داود زرگری، از جواهرسازان و تاجران معروف و موفق بود. داود زرگری پدر بزرگ خانم روحاما زرگری است. ویکیپدیا درباره ی این بانوی هنرمند می نویسد:

روحاما راز در سال ۱۹۵۵ در اورشلیم با نام روحاما زرگری متولد شد. زمانی که او در یک گروه موسیقی پذیرفته شد، تصمیم گرفت نام خانوادگی خود را به راز تغییر دهد. راز در ستاد فرماندهی مرکزی خدمت می کرد. روحاما زرگری یا روحاما راز که در سراسر اروپا و ایالات متحده کنسرت اجرا کرده است، از سن ۱۲ سالگی شروع به اجرا کرد. او می گوید که هاخام شموئل بروخیم عموی پدرش او را تشویق کرد که صرفاً ترانه های مذهبی نخواند، بلکه آهنگ های محلی اسرائیلی بخواند.

روحاما راز پس از پایان خدمت سربازی در سال ۱۹۷۷ در جشنواره آواز شرکت کرد و در آن با آهنگ راکفت مقام اول را کسب کرد. راز در سال ۱۹۷۹ با آهنگ یاریت در جشنواره آواز کودک شرکت کرد.

خانم روحاما در سال ۱۹۷۹ آلبوم "رویاها" را منتشر کرد. این آلبوم شامل یکی از بزرگترین موفقیت های انفرادی راز به نام "رویاها" بود که توسط راشل شاپیرو با موسیقی ساخته شده توسط یایر کلینگر نوشته شده بود. در آن زمان او با یکی از اعضای کیبوتز گال اون ازدواج کرد. او به کیبوتز نقل مکان کرد، جایی که بعداً این زوج صاحب دو دختر شدند.

کیبوتز عبارت بود از مجتمع های مسکونی تازه ساخت که مهاجران تازه وارد را در آن جای می دادند.

راز، تصمیم گرفت که اولویتش اداره ی خانواده اش باشد از این رو فعالیت موسیقی خود را متوقف کرد.

او در اواسط دهه ۱۹۸۰ به صحنه بازگشت و آلبوم "نو در شهر" را ضبط کرد که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد. سپس آلبوم "در قلب یک وطن کوچک" را منتشر کرد. این آلبوم همچنین شامل شعری بود که به یاد خواهرش، میریام تزرافی، سروده شد... او یکی از شانزده نفری بود که در حمله تروریستی به اتوبوس شماره ۴۰۵ تلاویو به اورشلیم در سال ۱۹۸۹ کشته شدند.

راز در سال ۱۹۹۹ با دو آهنگ از گروه راک اسرائیلی کنسیات حسخیل شرکت کرد که در سومین آلبوم گروه به نام "کنسیات حسخیل" منتشر شد.

خانم روحاما راز در سال ۲۰۰۳ آلبوم "تو برای من عزیزی" منتشر کرد. علاوه بر این، او همچنین در جشنواره لادینو (که به عنوان بخشی از جشنواره اسرائیل در سال ۲۰۰۴ برگزار شد) با آهنگ "عروس" مقام دوم را کسب کرد.

او در سال ۲۰۰۷ در ضبط آهنگ "روح انسان" به همراه بسیاری از هنرمندان اسرائیلی برای افزایش آگاهی در مورد توانبخشی روانی شرکت کرد. راز در سال ۲۰۰۷ در حنوکا در جشنواره آوازهای کودکان اسرائیل شرکت کرد و با آهنگ "روزها را جمع کن" مقام سوم را کسب کرد. راز در دسامبر ۲۰۰۷ آلبوم "قطعه آسمان" را منتشر کرد.

روحاما راز در میان مردم اسرائیل به خوبی با زادگاهش اورشلیم شناخته شده است و بسیاری از آهنگ های او به اورشلیم اختصاص دارد.

برای او آرزوی موفقیت می کنم. امیدوارم روزی برسد که او ترانه های قدیمی زادگاه اجدادش را با لهجه های سورانی، کورمانجی، گورانی و مزراحی آرامی کردی اجرا کند، کاری که هنرمند ارزنده ی دیگر خانم هاداسا یشورون انجام می دهد... امیدوارم روزی برسد درباره ی خانم هاداسا یشورون و شادروان هاخام شموئل بروخیم مطالبی در خور منتشر کنم.

<https://www.youtube.com/channel/UC431-6dD4fxurGR4QvkLASA>